

(باسمه تعالی)

موضوع دوره: تبیین نظام مند حقوق و مسئولیت های اعضای خانواده در عرصه های فردی و اجتماعی

فصل اول: نکاح و احکام آن

تعریف نکاح : نکاح بنیان طبیعی و مشروع خانواده است. زن و مردی که خود را آماده پذیرفتن مسئولیتی می بینند، کسانی که خود را شایسته پدر و مادر شدن می دانند و آنان که عشق خود را به هم جاودانه می پندارند، به امضای این پیمان تن در می دهند. برخی می پندارند که اتحاد طبیعی زن و مرد می تواند جایگزین نکاح شود ولی این پندار نادرست را نباید پذیرفت. بنیاد چنین خانواده ای بر هوس استوار است، دیگر آنکه زن و مرد حقوق و تکالیفی در مقابل همدیگر احساس نمی کنند و همه چیز وابسته به میل و خواهش آنان است، آنگاه سرنوشت کودکانی که از این پیمان ناقص و از هم گسیخته به وجود آمده اند چه خواهد شد؟ آیا این کانون که بر مبنای هوس بنا شده است می تواند برای جامعه عنصری مطلوب باشد؟ نکاح پیش از آنکه هسته ای حقوقی باشد، پیوندی اخلاقی و مذهبی است و نمی توان آن را در قالب عقود و تعهدات مالی جای داد؛ اگر چه دارای تبعات مالی نیز هست.

در فقه و قانون مدنی ایران، خانواده تعریف نشده است. شاید بدهت زیاد امر، به نظر برخی از حقوق دانان، قانون گذار را از تعریف بی نیاز کرده است. برخی از حقوق دانان در سکوت قانون مدنی، خود اقدام به تعریف نکاح کرده اند و آن را رابطه حقوقی که به وسیله عقد ازدواج بین مرد و زن حاصل شده و به آنها حق تمتع جنسی می دهد، تعریف کرده اند.

به طور کلی با توجه به نظر فقهای امامیه و حقوق دانان و با توجه به سوره نساء قرآن مجید، می توان گفت که نکاح یک رابطه حقوقی و عاطفی است که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می شود و به ایشان یک سری حقوق و تکالیف می دهد که از نکاح ناشی می شود.

احکام نکاح:

هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می توان خواستگاری نمود لازم به ذکر است که وعده ازدواج باعث زوجیت نمی شود بنابراین تا زمانی که زن و مرد به عقد یکدیگر در نیامده اند به صورت شرعی و قانونی همسر یکدیگر نیستند مطابق ماده ۱۰۳۷، قانون مدنی در صورت نامزدی هر یک از طرفین می توانند هدایایی که به طرف دیگر داده اند مسترد کند لازم به ذکر است که عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت بود با تشخیص دادگاه می باشد همچنین ازدواج دختر باکره اگرچه به سن بلوغ هم رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است با این حال چنانچه پدر یا جد و پدری از دادن

اجازه ممانعت کند اگر ممانعت او بدون دلیل باشد دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج کند و همچنین شرایط نکاح و مهریه ای که بین آنها قرار داده شده است از دادگاه تقاضای ازدواج نماید.

نکاح وقتی واقع می شود که ایجاب و قبول لفظی انجام شود شخصی که نمی تواند ایجاب و قبول را انجام دهد می تواند وکیل بگیرد معمولاً سردفتران ازدواج به عنوان وکیل از طرف زوج و زوجه عقد نکاح را واقع میسازند.

فصل دوم: حقوق و تکالیف زن بر شوهر:

الف - مطالبه مهریه:

مهریه مالی است که در هنگام عقد ازدواج مرد متعهد می شود به همسر خود بپردازد. این مال می تواند به صورت نقدی (وجه رایج کشور)، سکه و طلا، سایر اموال منقول یا غیرمنقول (ملک، خانه یا آپارتمان) باشد. مهریه همزمان با انعقاد ازدواج در سند رسمی سند ازدواج ثبت می شود.

زوجه به محض وقوع عقد ازدواج و ثبت آن مالک مهریه می شود که البته نیمی از آن در همان لحظه و نیم دیگر به هنگام شروع زندگی مشترک در مالکیت او استقرار می یابد اما نکته مهم آن است که اگر مهریه عندالاستطاعه بوده یا موجل (زمان دار) باشد، زوجه باید صبر کند تا شرایط زمانی برای مطالبه مهریه مهیا شود. منظور از مهریه عندالاستطاعه این است که زمانی می توان مهریه را مطالبه کرد که شوهر از لحاظ مالی توانایی و استطاعت پرداخت مهریه را داشته باشد و این اقدام، تنها با معرفی اموال شوهر به دادگاه امکان پذیر است.

اگر هم مهریه موجل یا زمان دار باشد، زوجه باید منتظر بماند تا زمان مشخص شده سپری شود و پس از آن زمان است که در واقع صاحب مهریه می شود و می تواند برای دریافت آن اقدام کند. لازم به ذکر است که در حال حاضر عرف نیست که در دفاتر ازدواج، مهریه به صورت زمان دار ثبت شود اما در بسیاری اوقات مهریه به صورت عندالاستطاعه ثبت می شود که لازم است زوجین به آثار آن که به آنها اشاره شد، آگاه باشند. اصلی ترین اثر این موضوع، آن است که تنها در صورتی که مرد توانایی پرداخت مهریه را داشته باشد، می توان آن را از وی مطالبه کرد و در غیر این صورت هیچ اقدام قانونی در مقابل شوهر نمی توان انجام داد.

راهکارهای مطالبه مهریه

مهریه از دو طریق قابل مطالبه است: راهکار اول آن مراجعه به دادگاه خانواده و تقدیم دادخواست مطالبه مهریه است. در این حالت زوجه درخواستی مبنی بر مطالبه مهریه به دادگاه ارائه داده و باید مالی از شوهر، به دادگاه معرفی کند تا دادگاه با توقیف و فروش آن، مهر زن را پرداخت کند. البته این

مال نباید از مستثنیات دین باشد. مستثنیات دین یعنی اینکه نمیتوان از زوج منزل مسکونی و نیز اسباب و لوازم زندگی و کار و ضروریات زندگی ایش را توقیف کرد لازم به ذکر است خودروی شخصی جزء مستثنیات دین نیست. اگر هم شوهر فاقد مال اما کارمند دولت باشد، زوجه می تواند تقاضا کند که یک سوم حقوق مرد تا پرداخت تمام مهر توقیف و به او پرداخت شود. با اینکه بیشتر مردم در حال حاضر سعی می کنند از این طریق مهریه خود را مطالبه کنند و این تصور را دارند که تنها راه برای دریافت مهریه شان مراجعه به دادگاه است اما باید به آنها گوشزد شود به دلیل اینکه سند ازدواج یک سند رسمی است، آنها به سادگی و بدون مراجعه به دادگاه می توانند برای دریافت مهریه خود اقدام کنند و آن هم از طریق اجرای مفاد سند رسمی ازدواج است. مرجع صالح درخواست صدور اجراییه برابر بند «ج» ماده ۲ آیین نامه اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی، دفتر ازدواجی است که عقد نکاح را ثبت کرده است.

ب- مطالبه نفقه:

در جامعه ای که ریاست خانواده بر عهده مرد است، قانونگذار او را موظف به تامین معاش خانواده می داند و تکلیف شوهر به دادن نفقه از توابع ریاست او بر خانواده است البته در برخی موارد هم به مرد اجازه داده شده که از پرداخت نفقه خودداری کند. نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و هر آنچه که به صورت عادت یا احتیاج لازمه زندگی وی باشد.

البته قانون میزان دقیقی برای نفقه مشخص نکرده است بلکه نفقه را بر مبنای نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن و منطبق با عرف زمان و مکان زندگی زوجین دانسته است. در قوانین مختلف بر موضوع پرداخت نفقه بسیار تاکید شده است اما با توجه به این تاکیدها در برخی موارد هم به مرد اجازه داده شده که از پرداخت نفقه خودداری کند که صریح ترین ماده قانون مدنی برای ندادن نفقه به زن ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی است که می گوید هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

نحوه ی طرح دعوی نفقه:

الف - نحوه شکایت کیفری

زن در یک برگ عادی شکایت خود را نوشته و آن را به دادگاه ارایه می‌دهد. در این صورت به شکایت وی به سرعت رسیدگی می‌شود و مرد ملزم و محکوم به پرداخت نفقه خواهد شد و اگر مرد از پرداخت نفقه خودداری کند، به زندان اعزام می‌شود.

البته لازم به ذکر است که نفقه مربوط به زمان حال از طریق کیفری قابل مطالبه و نفقه مربوط به گذشته با ارایه دادخواست حقوقی قابل پرداخت است. بر اساس ماده ۶۴۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند.

ب - دادخواست حقوقی مطالبه نفقه

چنانچه زنی بخواهد نفقه ایام گذشته خود را طلب کند، فقط با ارایه دادخواست حقوقی می‌تواند آن را دریافت کند. در این صورت زوجه باید خواسته خود را در آن قید کرده و آن را به دادگاه خانواده تقدیم کند. همچنین وی می‌تواند در دادخواست خود هزینه دادرسی را مطالبه کند. در صورت عدم توانایی مرد در پرداخت نفقه یا اگر به هیچ طریقی نتوان مرد را مجبور به پرداخت نفقه کرد، زن می‌تواند دادخواست طلاق تنظیم کند.

۳- مطالبه اجرت المثل ایام زندگی مشترک:

یکی دیگر از دعاوی مالی که در محاکم خانواده طرح می‌شود، اختلاف درباره اجرت‌المثل کارهای انجام‌شده از سوی زوجه در دوران زندگی مشترک است که می‌توان آن را یکی از آثار مالی واقعه طلاق دانست که در تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق به آن اشاره شده است.

شرایط تعلق اجرت‌المثل

۱- اجرت‌المثل در مورد کارهای زوجه در امر خانه‌داری است. ۲- زوجه نباید قصد تبرع (قصد انجام دادن رایگان کارهای منزل) داشته باشد؛ چرا که اگر در انجام کارهای خانه‌داری از ابتدا قصد و نیت تبرع و به اصطلاح رایگان داشته باشد، نمی‌تواند اجرت‌المثل ایام زوجیت را بگیرد. ۳- درخواست طلاق نباید از سوی زوجه باشد و لازم است که شوهر قصد طلاق داشته باشد. البته اگر تقاضای طلاق که از سوی زوج شده است، ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار زوجه باشد، در این صورت نیز اجرت‌المثل به او تعلق نمی‌گیرد. چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده، به

دستور زوج و با نداشتن قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام‌گرفته را طبق نظر کارشناس محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.

۴- حضانت فرزند:

برابر قانون نگهداری و ترتیب اطفال بر عهده زن و شوهر است اما گاهی اوقات به واسطه وجود اختلاف حضانت فرزند به پدر و یا مادر واگذار می‌شود. سرپرستی و نگهداری طفلی که پدر و مادر او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند تا سن ۷ سالگی با مادر است و فرقی نمی‌کند که این طفل پسر باشد یا دختر و پس از ۷ سالگی تا سن بلوغ حضانت او با پدر خواهد بود و چنانچه بعد از ۷ سالگی در این خصوص بین پدر و مادر اختلاف به وجود آید دادگاه با رعایت مصلحت فرزند حضانت را به پدر و یا مادر اعطا می‌کند. اگر مادر در حالتی که حضانت طفل با اوست دیوانه شود یا شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود. در صورت فوت یکی از والدین حضانت طفل با شخصی است که زنده است هرچند که متوفی پدر باشد و برای فرزند از قبل قیم تعیین کرده باشد. هرگاه در صورت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر که طفل تحت نظارت اوست سلامت روانی یا جسمی طفل دستخوش خطر قرار گیرد دادگاه برای حضانت طفل تصمیم لازم را اتخاذ خواهد کرد مواردی چون اعتیاد به مواد مخدر، فساد اخلاقی، بیماری روانی، سوءاستفاده از طفل، ضرب جرح خارج از حد متعارف و غیره ... از علائم انحطاط اخلاقی است. در صورتی که در اثر طلاق یا هر علت دیگری والدین در یک منزل نباشند هر یک از والدین که طفل تحت حضانت او نیست حق ملاقات با فرزند مشترک را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر مسائل مربوط به آن بر مبنای توافق پدر و مادر است اما در صورت اختلاف دادگاه تعیین تکلیف خواهد کرد. چنانچه هنگام طلاق حضانت فرزند مشترک با توافق زوجین به زن سپرده شود و زن پس از طلاق ازدواج نماید اگر زوجین هنگام طلاق با توافق حضانت خود را به زن واگذار کنند با ازدواج مجدد مادر این حق سلب نمی‌شود اما اگر زوجین به هر دلیلی از یکدیگر جدا شوند بنابر قانون حضانت تا ۷ سالگی با مادر است و اگر مادر ازدواج کند حق حضانت از او سلب می‌شود. حضانت برای دختر تا سن ۹ سالگی و برای پسر ۱۵ سالگی است و پس از این سن دختر یا پسر به انتخاب خود هر کجا بخواهند (منزل پدر یا مادر) میتوانند زندگی کنند.

۳- حقوق و تکالیف شوهر بر زن :

تمکین:

مفهوم تمکین چیست؟ آنچه در عرف از مفهوم تمکین (به معنای خاص کلمه و در نظام خانواده) به ذهن متبادر می‌شود عبارت است از اطاعت خانم از خواسته‌های همسرش. البته این معنای عرفی از معنای لغوی و اصطلاحی هم دور نمانده است. مفهوم لغوی تمکین تن در دادن است.

معنای اصطلاحی تمکین در علم حقوق برگرفته از متون فقهی ماست؛ به عبارت دیگر دارای دو معناست:

۱. تمکین عام

عبارت است از خوش رفتاری یا حسن معاشرت همسر با شوهر خویش و اطاعت از خواسته‌های مشروع همسر، همچنین رعایت نظافت و آرایش خود برای همسر به گونه‌ای که مقتضای زمان و مکان و موقعیت و شأن خانوادگی آنان است. البته لازم به ذکر است که تمکین دو طرفه است و آقا نیز به عنوان همسر بایستی نسبت به خواسته‌های مشروع همسر پاسخ مثبت بدهد.

به عبارت دیگر تمکین به معنای عام آن است که خانم وظایف خود را نسبت به همسر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت نماید و ریاست شوهر را در خانواده پذیرا باشد. بنابراین اگر آقایی از همسرش توقعات نامشروع یا نامتعارفی داشته باشد، خانم مکلف به اطاعت از او نیست. به عنوان مثال اگر آقا از همسرش بخواهد که تمام اموالش را به نام او بزند و خانم رضایت کامل به این کار نداشته باشد، این توقع متعارف تلقی نمی‌شود. در مورد رفت و آمد خانم لازم به ذکر است که اگر آقا بر خلاف عرف از خروج همسر خود از منزل و بازدید خویشان و دوستان جلوگیری کند، رفتارش سوء معاشرت تلقی می‌شود.

۲. تمکین خاص

منظور از این نوع تمکین رابطه‌ی خاص زوجیت و روابط زناشویی است. آنچه در عرف از تمکین فهمیده می‌شود، بیشتر در قالب این نوع تمکین است.

برای درک بهتر از تمکین بایستی به مفهوم نشوز که در مقابل تمکین مطرح می‌شود نیز بپردازیم. عدم تمکین یا نشوز عبارت است از نافرمانی زوجه در مقابل همسر و عدم انجام خواسته‌های صحیح و قانونی زوج است لذا به زنی که خواسته‌های مشروع همسر را انجام نمی‌دهد و وظیفه و تکلیف خود را انجام نمی‌دهد ناشزه گویند.

چنانچه زن در انجام وظایف زوجیت کوتاهی ورزد و نشوز او در دادگاه با توجه به مدارک و شواهد قانونی اثبات گردد از حقوق قانونی اش محروم میگردد و برای زوج حقوقی ایجاد میشود. به عوان مثال نفقه اش قطع میگردد و حتی میتواند از دادگاه تقاضای اجازه ازدواج مجدد اخذ کند.

مفهوم عدم تمکین

هرگاه زن همسرش را تمکین نکند و در اصطلاح حقوقی ناشزه شود، همسر می تواند به دادگاه و محکمه حقوقی مراجعه کند و الزام زن را به تمکین خواستار شود. به علاوه، زن نمی تواند در مدتی که تمکین نمی کند از همسر خود طلب نفقه داشته باشد. به عبارت دیگر اگر زن بدون هیچ گونه مانع شرعی از انجام وظایف و تکالیف زوجیت امتناع کند، استحقاق خود را برای دریافت نفقه از دست می دهد. بنابراین اگر زن برای عدم اطاعت از خواسته های مشروع همسر خویش، عذر موجه و قانونی داشته باشد نفقه به او تعلق خواهد گرفت. به عنوان نمونه وضعیت را تصور کنید که زن به علت خطری که از جانب همسرش متوجه اوست (مثلا شوهر دچار ناراحتی روحی و عصبی است) از ماندن در خانه ی همسر امتناع می کند. در این صورت نمی توان منکر تعلق حق نفقه به آن زن شد.

از طرف دیگر، همان گونه که بیان شد ممکن است مردی نیز ناشزه شود و به وظایف خویش عمل نکند. در این صورت زن می تواند با مراجعه به دادگاه الزام همسر را به انجام وظایف و تکالیف قانونی و شرعی خود درخواست کند. نشوز مرد هم سوء معاشرت یا همان بدرفتاری تلقی می شود و می تواند از مصادیق عسر و حرج باشد و طبق قانون زن می تواند با طی مراحل قانونی، درخواست طلاق بدهد.

طلاق:

اگر چه در دین اسلام طلاق مغبوضترین حلال خداوند شمرده شده است ولی با این حال مطابق قوانین مرد میتواند هر وقت که بخواهد همسرش را طلاق دهد البته باید همه حق و حقوق همسرش همچون مهریه نفقه اجرت المثل را نیز بپردازد و نیز شرط تا نصف دارایی که در زمان انجام عقد امضا کرده است را بپردازد به این بیان که در عقدنامه ها معمولاً مردان متعهد شده اند چنانچه بخواهند همسر خود را طلاق بدهند تا نصف دارایی خود را باید به زن بپردازند.

پس بطور کلی طلاق در دست مرد است و از آن طرف دریافت مهریه هم از حقوق زن است ولی با این حال زنان نیز در برخی موارد میتوانند از شوهر خود طلاق بگیرند و آن در مواردی است که شرایط مندرج در عقدنامه ها اتفاق بیافتد به عنوان مثال مرد بدون اجازه از همسرشان ازدواج دیگری اعم از دایم یا موقت کنند و یا دچار اعتیاد شوند و در این صورت زنان میتوانند به دادگاه مراجعه کنند و با اثبات تحقق بندهای مندرج در عقدنامه از وکالتی که مرد هنگام ازدواج به آنان داده استفاده کنند و از همسرشان جدا شوند البته مهریه را نیز مردان در این صورت باید بپردازند.